

**گفت‌وگو با وحید اشتری درباره طرح «حمایت از افشاگران فساد» در مجلس**

# حمایت از افشاگران یا تحدید افشاگری؟

محمد رفیعی

**سلمان موحدی راه:** اواخر سال گذشته کلیات طرح «حمایت از افشاگران فساد» در مجلس تصویب شد؛ طرحی که در آن قرار است سامانه‌ای برای افشاگران در نظر گرفته شود تا اسناد و مدارک خود از فساد را در آن بازگرداری کرده و پرونده در اختیار نهادهایی نظیر وزارت اطلاعات، اطلاعات سپاه، قوه قضائیه یا سازمان بازرسی قرار بگیرد. یکی از موضوعات بحث‌برانگیز این طرح اشاره به این موضوع است که افشاگران اگر به صورت غیرقانونی به اسناد و مدارکی دست پیدا کنند، نمی‌توانند به‌عنوان افشاگر تحت حمایت قرار بگیرند. این موضوعی است که بسیاری از روزنامه‌نگاران و شهروند-خبرنگارها با آن دست‌به‌گریبان هستند. در مواردی سازمان‌ها و نهادها، اطلاعات را به‌درستی در اختیار شهروندان قرار نمی‌دهند و تلاش شما به‌عنوان یک روزنامه‌نگار برای دستیابی به اطلاعات با مشکلات فراوانی همراه است. در چنین شرایطی چگونه می‌توان انتظار داشت که اسناد و مدارکی در پرونده‌های خاص به دست روزنامه‌نگاران یا شهروندان پرسشگر برسد؟ برای بررسی ابعاد این موضوع با وحید اشتری گفت‌وگو کردیم. وحید اشتری در شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان یک شهروند پرسشگر شناخته می‌شود که تلاش‌هایی در زمینه مبارزه با فساد و افشاگری در این زمینه دارد. با او درباره مشکلات دسترسی آزاد به اطلاعات در ایران گفت‌وگو کردیم.

- ♦ در طرح حمایت از «افشاگران فساد در مجلس» تاکید شده**

که اگر کسی مدارک افشای فساد را به طریق غیرقانونی به دست آورده باشد، مشمول حمایت مالی نمی‌شود. تجربه خودتان را در این زمینه به ما بگویید. اساسا روش‌های قانونی برای دسترسی روزنامه‌نگاران یا پژوهشگران به اسناد و مدارک وجود دارد؟ آیا در سازمان‌ها ما تا این حد شفافیت وجود دارد که خبرنگار با پرسشگری بدون متوسل‌شدن به روش‌های غیرقانونی اسناد و مدارکی را به دست بیاوردد؟

ابتدا این تذکر را بدهم که این طرح اصلا افشاگری فساد نیست، بلکه طرح گزارشگری فساد است و بین این دو اصطلاح تفاوت‌هایی وجود دارد. در افشاگری فساد اطلاعات، پرونده، فیلم یا داده‌های مهمی افشا می‌شود؛ اما در مجلس با زیرکی گزارشگری فساد و افشاگری فساد با هم متفاوت هستند. درباره دسترسی قانونی به اطلاعات هم باید گفت واقعا این موضوع پارادوکسیکال است؛ چون آنها می‌گویند اطلاعاتی را به صورت قانونی از نهادها به دست بیاورید و به آنها گزارش کنید. اگر چنین اطلاعاتی به صورت آزاد وجود دارد که هر روزنامه‌نگار یا شهروندی می‌تواند به آن دست پیدا کند که همین نهاد‌های نظارتی هم به آن دسترسی دارند و احتیاج به گزارش‌دهی نیست. در واقع طرح‌های این‌چنینی جلوه مبارزه و مقابله با فساد را بازتاب نمی‌دهند و در باطن انکار در راستای هموارکردن مسیر اقدامات افشاگرانه در حوزه‌های فساد نیستند. به نظر می‌رسد این طرح هم خیلی جدی به دنبال کاتالیزکردن افشای فساد است؛ چراکه می‌گوید حمایت‌ها زمانی شامل حال شما می‌شود که اطلاعات را در اختیار این سازمان‌ها و نهادها قرار دهید. اگر به فکر این هستید که خودتان برای موضوعی کمین بسازید و جریان‌سازی کنید، دیگر افشاگر فساد تلقی نمی‌شوید و به جرم افشای اطلاعات مجرم هستید. در یک سطح دیگر به خطر شیوه به دست آوردن این اطلاعات مجرم شناخته می‌شوید. به‌این‌ترتیب برخلاف ظاهر حمایت‌گرایانه‌اش، در باطن افشاگری فساد را جرم‌انگاری می‌کند.
- ♦ پس تقریبا دسترسی آزاد به اطلاعات برای روزنامه‌نگاران و**

برطرف شود و صرف راه‌اندازی یک سامانه نمی‌تواند موجب حمایت از افشای فساد شود. تا زمانی که این دیوار بی‌اعتمادی وجود دارد، هر چقدر هم سامانه تعریف کنید، کار به جایی نمی‌رسد.

چون مواردی دیدیم که اتفاقی رخ داد و تکزیب هم نشده، اما در نهایت برای افشاگران آن مشکلاتی پیش آمد. برای نمونه در جریان سیلیی خوردن یک سرباز در نهایت بنده چند بار بازرسی شدم. این موضوع حتی افشاگری یک پرونده هم نبود، بلکه اتفاقی بود که فیلم آن هم موجود بود و کل کشور درباره آن موضع‌گیری کرد و حتی سخنگوی ستاد کل گفت که چنین اتفاقی رخ داده؛ اما در نهایت چند ماه بازرسی برای من در بی‌چالش‌های همراه خواهد بود.

شهرداری تهران از زمانی که مدیریتش عوض شده دیگر به سامانه شفافیت توجهی نمی‌کند و آن را به‌روز نمی‌کند. کدام‌یک از این نهادها که در این طرح به عنوان مرجع ارسال گزارش‌های فساد تعریف شده‌اند به خودشان زحمت داده‌اند این موضوع را پیگیری کنند؟ به هر حال اتفاق بزرگی است که شهرداری تهران در این زمینه کاری نمی‌کند. حالا چون سامانه را اصلاح‌طلب‌ها راه‌اندازی کرده‌اند مثلا دوستان نمی‌خواهند به آن توجه کنند. اتفاقا سامانه شفافیت اتفاق بزرگی بود. مثلا ما از میان اطلاعات این سامانه بود که فهمیدیم مدیرمسئول یک خبرگزاری مهم به اسم این خبرگزاری برای همسر و اعضای خانواده‌اش طرح ترافیک دریافت کرده است. بعد این بزرگوارانی که اکنون در شهرداری هستند و ادعای مبارزه با فساد هم دارند چنین سامانه‌ای را از کار انداخته‌اند. منطقا چنین اتفاقی را سازمان‌هایی نظیر سازمان بازرسی باید بررسی کنند که چرا جلوی انتشار شفاف اطلاعات سازمان بزرگی همچون شهرداری گرفته شده است. شما فکر می‌کنید من به عنوان یک شهروند می‌توانم باور کنم که برخی نهاد‌های اجرایی وقتی در برابر چنین اتفاقاتی سکوت می‌کنند، حالا ممکن است پیگیری فلان فساد کوچکی که من اسنادش را بازگرداری کرده‌ام بشوند؟

- ♦ یک مسئله دیگر در کاتالیزکردن فرایند افشای اطلاعات این است که طراحان این طرح ماجرای حساسیت افکار عمومی و نقش رسانه‌ها را نادیده گرفته‌اند. اساسا بدون چنین جنبه‌ای می‌توان ادعای مبارزه با فساد داشت؟**

موضوع دیگر در این زمینه این است که در چنین طرح‌هایی



طرحی مصوب می‌کرد یا اینکه برای ریشه‌کنی فساد؟ در واقع می‌خواهیم بدانم مصوبات مجلس در زمینه مبارزه با فساد در اولویت چندم فهرست مبارزه با فساد قرار می‌گیرد؟

به نظرم مجلس به جای این کارها و پروپاگاندایی این‌چنین باید در زمینه ایجاد زیرساخت انتشار آزاد اطلاعات و شفافیت و همچنین ملزم‌کردن دستگاه‌ها به رعایت این اصول و آسیب‌شناسی قوانینی که در این زمینه وجود داشته اقدام کند و در این زمینه فعالیت کند تا دسترسی آزاد به اطلاعات را فراهم کرده و فرصت نظارت مردمی بر امور را هم ایجاد کند. به هر حال در اینجا با دو رویکرد مواجه هستیم؛ یا شما می‌خواهید با فساد مبارزه کنید که جای درست و کار درست این است که در معرض دید عموم مردم این کار را انجام دهید تا فرصت نظارت مردمی را هم فراهم کنید. یا مبارزه با فساد را می‌خواهید به درون سامانه‌ها ببرید که اگر این سازوکار تا کنون کارش را درست انجام می‌داد که در وضعیت فعلی نبودیم. به هر حال مجلس و سایر نهادها باید تکلیف خودشان را روشن کنند که می‌خواهند شفاف با این موضوع و با نظارت مردمی با آن برخورد کنند یا به دور از دید عموم با فساد مبارزه کنند. به نظر من موضوع افشاگری فساد چالش‌های روشنی دارد که بخشی از آن به رسیدگی‌های قضائی مربوط است. برای نمونه اگر شما به عنوان خبرنگار پیگیر یک پرونده فساد باشید و بخشی از این اطلاعات را هم در حساب توئیتری خود منتشر کنید، هیچ حمایتی که باید از رسانه‌ها در این زمینه صورت بگیرد از شما صورت نخواهد گرفت و باید به دادگاه کیفری مراجعه کنید. هیچ سازوکار حمایتی وجود ندارد و نگاهی که به شما در آن دادگاه می‌شود با کسی که در تصادف کسی را کشته فرقی ندارد. یعنی نه کارت خبرنگاری شما و نه مجوز رسانه شما در چنین مراجعی اساسا اهمیتی ندارد. اگر مجلس واقعا می‌خواهد در زمینه حمایت از افشاگری فساد اقدامی انجام دهد باید همین‌گام‌های نخست برخورد با روزنامه‌نگاران و شهروند-خبرنگارها را حل کند. در واقع باید یک حداقل حمایت قانونی از روزنامه‌نگاری که این خطر را می‌کند که سراغ موضوع مرتبط با فساد برود، صورت بگیرد که چنین نیست و همین نشان می‌دهد که نمایندگان طرح این طرح هم در واقع درد واقعی افشاگری و مبارزه با فساد را نمی‌دانند و شاید در آستانه انتخاباتی دیگر در حال انجام یک پروپاگاندا در زمینه مبارزه با فساد هستند، وگرنه اصل این طرح این است که جلوی افشاگری فساد گرفته شود. اینکه شما اسناد فسادی را واگذار کنید نتیجه‌اش همین است.



در این اسامی پررنگار اتفاق می‌افتد. نادعلی درخصوص تغییر نام کوچه اختر به بصیرت هم می‌گوید: فکر کنم مصوبه کمیسیون نام‌گذاری این معبر به زمان ۹ دی برمی‌گردد؛ یعنی انتخاب این نام مربوط به ایام ۹ دی و روز بصیرت بود. اما این تصمیم‌گیری‌ها چون رفت و برگشت با منطقه و… دارد تا به صحن شورا برای تصویب باید زمان می‌برد. در شورای گذشته با نگرش‌های سیاسی در چند ماه آخر شورا چندصد نام را تغییر دادند که برخی از تغییر نام‌ها نه فقط برای ما در تهران که برای وزارت امور خارجه هم مشکل ایجاد کرده بود. در این دوره ما هر نامی را که تغییر می‌دهیم به نام مفاخر یا نام مقدس شهدا، در منطقه تحقیق می‌کنیم که نام قدیمی معبر مربوط به چند سال گذشته است، فلسفه وجودی آن چه بوده، اهالی محل نسبت به آن چه حسی دارند و بعد آن را تغییر می‌دهیم. معمولا مصوباتی که جنس آن سیاسی باشد، خیلی کم داریم. در تمام دوره‌های گذشته تغییر نام شهدا بیشترین سهم را در نام‌گذاری‌های معابر پایتخت داشته است. بررسی آمار نام‌گذاری‌ها در پنج دوره گذشته نشان می‌دهد یکی از محبوب‌ترین نام‌ها به‌جز نام شهدا، اسامی کل است که بنفشه، رز، لاله، یاس و زنبق در فهرست محبوب‌ترین نام‌ها قرار دارند.

در شورای اول از سال ۷۷ تا ۸۱، ۲۰ نام‌گذاری انجام شده است که ۱۱ نام‌گذاری از نام‌های عمومی یعنی گل‌ها، کوه‌ها، اعداد و… بودند، هشت نام شهدا و یک مورد از نام‌گذاری‌ها هم نام مشاهیر و نام‌آوران بوده است. در این دوره برج میلاد، باغ هنر، بزرگراه نیاپیش و خیابان روزنامه اطلاعات نام‌گذاری شده است. همچنین تغییر نامی هم از خیابان قلقلی به ستایش انجام شده است. در این دوره بوستان گفت‌وگو نام‌گذاری شده است. نام علامه محمدتقی جعفری هم تنها مشاهیری است که در این دوره نام‌گذاری شده است. در شورای دوم ۸۴۰ درخواست نام‌گذاری داده شده است که ۲۷۹ مصوبه نام‌گذاری وجود دارد. ۳۷۴ نام‌گذاری هم نام شهدا بوده، ۱۲۲ مورد نام‌گذاری‌ها گل، کوه و… بوده و ۱۰ مورد مشاهیر که برای خیابان‌های تهران نام‌گذاری کرده‌اند. بنفشه، رز، لاله، یاس، زنبق، یلفورف، صبح صادق، ترکس و شمشاد

نام‌های محبوب در این دوره برای نام‌گذاری بوده‌اند…

یکی از نام‌گذاری‌های پرحاشیه این دوره، تغییر نام خیابان خالد اسلامبولی به انتفاضه است که با حاشیه‌های زیادی همراه بود و سبب شد این مصوبه اجرا نشود. در میان چهره‌ها هم نام امیرکبیر و لقمان حکیم به چشم می‌خورد. در این دوره نام دو معبر که به نام شهدا نام‌گذاری شده بود، تغییر کرد. در شورای سوم نیز سه‌هزارو ۲۵۷ درخواست مطرح شده که دوهزارو ۶۴۱ مورد، تصویب شده است. هزارو ۶۳ نام‌گذاری عمومی، ۹۶۵ نام شهدا، ۴۰ نام‌گذاری هم به نام شهدا انجام شده است. شهپار، آرش کمانگیر، غزالی، حافظ، مولانا، هادی ساعی، کمال‌الملک، مالک اشرف و شمس تبریزی ازجمله نام‌های مشاهیری بود که در این دوره برای خیابان‌های تهران انتخاب شد. در دوره چهارم نیز هزارو ۲۷۲ درخواست نام‌گذاری مطرح شده که به ۹۷۳ مصوبه ختم شده است. از این میان ۶۹۹ نام‌گذاری شهدا، ۲۴۷ نام‌گذاری عمومی ۲۷ نام‌گذاری مشاهیر انجام شده است. این دوره بیشتر نام‌گذاری‌های عمومی نام کوه‌ها و استان‌ها بوده است. از مشاهیری که در این دوره نامشان بر خیابان‌های شهر نشسته است، می‌توان به آیت‌الله هاشمی، آیت‌الله مهدوی‌کنی، عسکراولادی، طاهره صفرازاده و… اشاره کرد.

شورای پنجم متفاوت‌ترین نام‌گذاری‌ها را طی چهار سال انجام داد؛ از نام‌گذاری معبری به نام مصدق که مطالبه سالیان دراز از مردم شهر بود، تا اسناد شجریان، بیژن ترقی، داوود رشیدی، بهمن کشاورز، جمشید مشایخی، بازگان، عباس کیارستمی، حسین منزوی، علی نصیریان، پروین دولت‌آبادی، سیمین دانشور، اخوان‌ثالث، علی حاتمی، عزت‌الله انتظامی، ناصر حجاری و…

<p><b>تیرماه سیزمین</b> تاسیس ۱۳۳۲</p>
<p><b>استاد بلاح پلایلاراده</b></p>
<p><b>مسئولیت عالمان دینی</b></p>
<p><b>در زمان حاضر</b></p>
<p><b>چهارشنبه ۶ / ۲ / ۱۴۰۲ – ساعت ۱۸:۰۰ الی ۱۹:۳۰</b></p>
<p><b>برگزاری سخنرانی به صورت حضوری</b></p>
<p><b>آدرس<span> </span>: ضلع جنوبی بلوار میرداماد نرسیده به میدان مادر شماره ۱۲۶ طبقه ۴</b></p>